

## قاچاق مواد مخدر در میان دولتمردان دوره محمدرضا شاه پهلوی (مطالعه موردی فلیکس آقایان)

محمد علی قلیزاده<sup>۱</sup>، خسرو کمالی سروستانی<sup>۲</sup>، مسعود بیات<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۲  
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۷

از صفحه ۳۱ تا ۴۸

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ نظامی  
سال دوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۹۴

### چکیده

افزایش استعمال و تجارت مواد مخدر در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی تبعات منفی از جمله دزدی، قاچاق و سایر اثرات سوء مصرف را به دنبال داشت. سیاست‌هایی که برای فروش هر چه بیشتر تریاک اعمال گردید، تدابیر بازدارنده مصرف آن را خنثی کرده و حتی گاه به شیوع استعمال آن دامن می‌زد. افراد گوناگونی از رجال سیاسی، درباری و نظامی به مصرف و قاچاق مواد مخدر مشغول بودند و از راه قاچاق مواد مخدر سود کلانی به دست می‌آوردند. تعدادی نیز با مافیای بین‌المللی مواد مخدر در اقصی نقاط جهان شریک بودند. یکی از این افراد «فلیکس آقایان» بود که جزو قاچاقچیان بین‌المللی به شمار می‌رفت. در این مقاله بر آنیم با روش توصیفی-تحلیلی نقش افراد مؤثری چون فلیکس آقایان را در اشاعه و رواج پدیده قاچاق مواد مخدر در دوره محمدرضا شاه پهلوی را مورد بررسی قرار دهیم و این مسئله را اثبات نماییم که سران رژیم پهلوی در مصرف یا قاچاق مواد مخدر دست داشته و در این تجارت پرسود دخیل بودند.

### کلید واژه‌ها

مواد مخدر، قاچاق، محمدرضا شاه، فلیکس آقایان.

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ (نویسنده مسئول): mohammadali.gholizade@gmail.com

۲ - استادیار تاریخ دانشگاه زنجان: khkamalis@gmail.com

۳ - دانشیار تاریخ دانشگاه زنجان: mbayat@gmail.com

## مقدمه

با ظهور تمدن‌های بزرگ در جهان که پیامد آن رونق کسب و تجارت و بازرگانی بود، پدیده قاچاق نیز به دلیل سودآوری آسان و پرفایده در مشرق زمین و به‌طور مشخص در خاورمیانه، بروز کرد. قاچاق کلمه‌ای است ترکی، از مصدر قاچماق به معنای فرار کردن. از نظر اصطلاحی نیز منظور از قاچاق عملی است که مغایر و مخالف بانظم و قانون ملی و بین‌المللی انجام می‌گیرد (مصاحب، ۱۳۸۰: ۳/۱۲۹۸). قاچاق از نظر حقوقی بیانگر هر نوع دادوستدی است که انجام آن موجب نقض قوانین مالیاتی و گمرکی می‌شود. از نظر حقوق بین‌المللی و بر اساس پروتکل ۱۹۰۹ لندن کالاهای قاچاق دو نوع هستند: ۱- کالاهایی که در هر زمان و مکان قاچاق تلقی می‌شوند مثل مواد مخدر ۲- کالاهایی که بنا بر شرایط خاص زمانی قاچاق محسوب می‌شوند. مثلاً در زمان جنگ خریدوفروش و حمل اسلحه و هر نوع کالایی که مربوط به جنگ و در جهت تحکیم موقعیت دشمن باشد، قاچاق به حساب می‌آید (لطیفی نیا، ۱۳۷۱، ۱۲۲). پدیده قاچاق سابقه طولانی دارد. تمدن سومر که از قدیمی‌ترین تمدن‌های جهان به شمار می‌رود و مراکز بزرگی از جمله بابل، اور و نیپور را بنیان گذاردند. آنان منطقه وسیعی از شبه‌جزیره عربستان، ایران بزرگ، ارمنستان و قبرس را تحت پوشش فعالیت‌های تجاری خود قرار دادند. در همین زمان دزدی، تقلب و بهره‌وام به‌عنوان مظاهر قاچاق ظاهر شدند. سومری‌ها برای جلوگیری از دزدی از کاروان‌های تجاری، کاروانی مسلح، ترتیب داده بودند که همراه کاروان‌های بازرگانی حرکت می‌نمود و از آن‌ها در برابر دزدان و راهزنان محافظت می‌کرد. از جمله کالاهایی که در دوران باستان مورد قاچاق قرار می‌گرفتند، می‌توان از ابریشم، عطر، صندل، کندر، میخک و فلفل یاد کرد.

از مهم‌ترین محصولات که در طول تاریخ سهم بسیار بزرگی در عرصه قاچاق کالا به خود اختصاص داده است، مواد مخدر است. بر اساس اسناد و مدارک و شواهد متعدد به نظر می‌رسد، خاندان پهلوی به‌جای مبارزه با مفاسد اجتماعی، خود در اشاعه و ترویج آن بی‌تفاوت نبوده و هر عضوی از این خاندان، با اتکا بر پایگاه سیاسی‌شان در مراحل از قاچاق مواد مخدر فعال بوده است. مصرف و قاچاق مواد مخدر یکی از زمینه‌های تفریح و کسب درآمد آنان بود. در باب مواد مخدر از جمله تریاک و قاچاق آن در جامعه ایران در دوره‌های مختلف از جمله دوره پهلوی دوم پژوهش‌هایی صورت گرفته است. این

پژوهش‌ها گاه به شکل عام‌تر مانند «فساد در رژیم پهلوی دوم» نوشته عبدالکاسم مجتبی زاده، «مفاسد خاندان پهلوی» نوشته شهلا بختیاری، «مواد مخدر به روایت اسناد ساواک» انتشارات مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات و گاه به صورت کلی به پدیده تریاک و قاجاق آن در ایران پرداخته‌اند؛ از جمله مقالاتی با عنوان «مواد مخدر و رژیم پهلوی» نوشته علی‌اکبر علی‌مردانی، «مواد مخدر و امنیت اجتماعی» نوشته علی‌اکبر علی‌مردانی و «ماجرای منع تریاک» نوشته عبدالحسین نوایی به تریاک، قاجاق آن و دست داشتن درباریان و دولت‌مردان به قاجاق اشاراتی کرده‌اند. مقاله پیش رو اما به گونه‌ای مبسوط و تفصیلی مسئله قاجاق مواد مخدر توسط دولتمردان پهلوی دوم را در ترویج مصرف مواد مخدر مورد بررسی قرار خواهد داد و نقش افراد مؤثری چون فلیکس آقایان در امر قاجاق را بررسی خواهد نمود. باید توجه داشت نظر به اینکه امر قاجاق مواد مخدر یک کار پنهانی بوده است و قاجاقچیان سعی می‌کردند تا نشان و ردی از خود بر جای نگذارند، به همین علت انعکاس قاجاق آنان در منابع کم‌رنگ‌تر است و بر اساس خاطرات افراد یا محموله‌های قاجاق که در مواردی توسط پلیس به‌طور مثال پلیس سوئیس کشف و ضبط شده است، می‌توان به این مسئله پرداخت و یا از طریق اسنادی که در پی رقابت گروه‌های مافیایی قاجاق مواد مخدر انتشار داده‌اند قابل بررسی است. در نتیجه در بررسی مسئله قاجاق مواد مخدر در دوره محمدرضا شاه پهلوی با محدودیت منابع و اطلاعات روشن و شفاف روبه‌رو هستیم.

### پیشینه مواد مخدر در ایران

نخستین ماده مخدری بود که به ایران آمد و ایرانی‌ها با آن آشنا شدند، تریاک بود. به طوری که از منابع ادبی و تاریخی برمی‌آید، قرن‌ها قبل از روی کار آمدن حکومت صفویه، استفاده از تریاک معمول بود ولی به جای تریاک لفظ افیون یا هیپون را به کار می‌بردند و به دلیل عدم وجود تکنولوژی داروهای شیمیایی از آن چون دارویی مسکن استفاده می‌کردند. تریاک به معنی پازهر یا پادزهر و فازهر بود و معریش تریاق است و برای دفع زهر به کار می‌بردند. افیون لغتی است جدید که به جای تریاک به کار می‌رود، تریاک را از خیلی قدیم می‌شناخته‌اند. بقراط و معاصرین وی ذکری از آن نموده و پزشکان یونانی و رومی آن را به کار می‌برده‌اند، ابوعلی سینا و رازی اولین پزشکانی

هستند که افعال و خواص تریاک را به وجه کاملی تألیف و تفسیر نموده و در تمام کتب طب قدیم ایران فصول جامعی از خواص تراپوتیکی و فرمول معجون‌های گوناگون این دارو می‌توان یافت که به‌عنوان مسکن قوی به کار می‌رفته است. (دهخدا، ۱۳۹۱: ۶۴۳). نام افیون یا شیره کوکنار (خشخاش) که اکنون بیشتر به تریاک معروف است، از سه قرن پیش از میلاد، در آثار یونانی و رومی دیده می‌شود، این سم کشنده که زمانی فقط داروی دردها و از جمله تریاق‌ها و پادزهرها بود، ظاهراً از همان عهد، خوردنش به تصور اینکه تسکین‌دهنده دردها و نیروبخش جسم و علاج بی‌خوابی است، متداول گشته است. با این همه هیچ دلیلی در دست نداریم که بگوییم قبل از عهد صفوی، خوردن شیره کوکنار یا نوشیدن آب آن در ایران متداول بوده است، بعید نیست که با جنگ‌های ایران و عثمانی عادت افیون‌خوری در ایران رواج گرفته باشد، چه این امر در میان سپاهیان عثمانی متداول بوده است. در این عهد اعتقاد عمومی این بود که خوردن شیره کوکنار آدمی را دلیر می‌کند. تریاک که عبارت از ترکیب شیره کوکنار با هل، جوز هندی، دارچین، زعفران، عنبر و یا جوز بویا بود (راوندی، ۱۳۸۷: ۷/۲۲۹).

در قرن دهم هجری شاه‌طهماسب دستور داد تا تریاک موجود در دربار را معدوم کنند و این شاید نخستین واکنش یک پادشاه ایرانی به مصرف و خریدوفروش مواد مخدر بود (همان، ۷/۲۳۰). اگر تا پیش از قرن نوزدهم تریاک در ایران به‌طور وسیع کشت نمی‌شد، اما آنچه از تاریخ برجای مانده، این است که کشت تریاک در ایران از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز شد و در دوران امیرکبیر، کشت خشخاش به‌صورت آزمایشی به اطراف تهران رسید (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰۰). در دوره قاجار که ایران در تماس فزاینده با دنیای غرب و بازارهای جهانی قرار گرفت، تریاک به کالای تجاری تبدیل شد و تولید و تجارت آن فزونی گرفت. این افزایش در تولید و تجارت می‌توانست قابلیت دسترسی به آن را آسان‌تر و زمینه برای مصرف بیشتر آن را فراهم نماید. بدین ترتیب در میانه قرن نوزدهم مصرف تریاک به طرز چشمگیری افزایش یافت و تریاک‌کشی تقریباً در هر گوشه‌ای از ایران گسترش یافت (شهیدی، ۱۳۶۲: ۵۱). مردان در قهوه‌خانه‌ها از این کار به‌عنوان تفریح اجتماعی استفاده می‌کردند. گفته‌شده مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه استعمال تریاک چنان رسمیت یافت که تصویر شاه بر حقه‌های وافور منقوش بود (علیوردی نیا، ۱۳۸۶: ۱۳۶). پس از استعمار هند توسط انگلیس میان

لندن و هندوستان خط ارتباطی تلگراف برقرار شد. نقش سیم‌بانان و کارگران هندی خطوط تلگراف در گسترش و آموزش تریاک‌کشی در ایران بی‌تأثیر نبوده است. خراسان به‌صورت دروازه‌ای برای تریاک‌کشی درآمد، به‌طوری‌که پیش‌قراولان قاجاق این ماده مخدر در لباس درویشان هندی در خراسان و کرمان پراکنده شدند و به تریاک‌کشی روی آوردند (کوهی کرمانی، ۱۳۲۴: ۱/۱۲). شیوع اعتیاد به تریاک در عصر قاجار آن را به معضلی اجتماعی تبدیل کرد که در عصر پهلوی نیز همچنان پابرجا باقی ماند.

مصرف تریاک در اشکال مختلف در مناطق گوناگون ایران در عصر رضاشاه رایج بوده است. این ماده را هم به‌عنوان دارو و هم به‌عنوان مخدر می‌خورده و می‌کشیده‌اند. گرچه استعمال تریاک در همه جای ایران مرسوم بود، اما برخی شهرها و مناطق استعمال تریاک در آن‌ها در مقایسه با دیگر مناطق کشور شاخص بودند و فراوانی آمار اعتیاد در آن‌ها قابل‌توجه بود؛ مثلاً استان‌هایی همچون کرمان، مشهد، اصفهان و قم بیشترین آمار اعتیاد در کشور را دارا بودند (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۳). در سال ۱۳۲۹ هجری قمری قانون‌های تحدید تریاک و انحصار دولتی تریاک و مجازات قاجاق مواد افیونی و تولید و توزیع غیرقانونی در جهت کاهش مصرف این ماده و مبارزه با آن وضع شد؛ اما در سالهای جنگ جهانی دوم و بعدازآن قاجاق مواد افیونی و اعتیاد آن رواج بیشتری پیدا کرد (نجاتی، ۱۳۷۱: ۴۵۸).

### وضعیت قاجاق مواد مخدر در دوره سلطنت محمدرضا شاه

رضاشاه پهلوی به روایتی دوازده فرزند داشت که نخستین پسرش محمدرضا بود که ولیعهد و جانشین پدر شد. رضاخان استعفانامه‌ای را که فروغی تهیه کرده بود، امضاء کرد و صبح روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به‌سوی اصفهان حرکت کرد (شهبازی، ۱۳۷۰: ۱/۱۰۷). مضمون گفته رضاشاه این بود که من چون پیر و فرسوده شده‌ام، مسئولیت مملکت را باید به یک فرد جوان که ولیعهد است، واگذار کنم و از شما انتظار دارم که از ولیعهد به‌عنوان شاه آینده و شاه ایران پشتیبانی کنید. حاضرین هم گفتند: «اطاعت می‌شود» و تعظیم کردند. رضاشاه عصایش را به علامت خداحافظی بلند کرد و بیرون آمد. این مراسم کوتاه و حدوداً پنج دقیقه طول کشید (همان: ۱/۱۰۸).

روزنامه داد بعد از رفتن رضاشاه در شماره ۵۳۰ خود که جو سانسور برداشته شده بود، در مقاله‌ای از اوضاع جامعه و قهوه‌خانه‌ها نوشت: «می‌گویند امریکا سرزمین عجایب است و در آن مملکت چیزهای حیرت‌آوری دیده می‌شود. من با این عقیده مخالفم و ایران را سرزمین عجایب می‌دانم. در ایران یکی از اماکن عمومی قهوه‌خانه است که متوسط‌الناس (طبقه متوسط) در آنجا اجتماع نموده و به کشیدن تریاک مشغول می‌شوند. وافور آلتی است که به وسیله آن تریاک می‌کشند و از دیدن آن آلت عجیب، انسان میل می‌کند که ساعتی به تماشای آن بپردازد. قهوه‌خانه اغلب مملو از جمعیت است و دود کثیفی فضای محوطه را فراگرفته است. شخصی که او را درویش می‌گویند، در طول و عرض قهوه‌خانه قدم زده و با آهنگ مخصوصی داستان‌ها و حکایت‌های موهومی برای حاضرین بیان می‌نماید. وجود قهوه‌خانه‌ها باعث انحطاط نسل ایران است، زیرا مرکز استعمال افیون هست. ایرانیان به جای اینکه از تریاک استفاده درست بکنند، خود را با آن مسموم کرده و به مصیبت عظیمی دچار می‌کردند.» (روزنامه داد، ۱۳۲۳: شماره ۵۳۰).

در زمان محمدرضاشاه بی‌بندوباری و اعتیاد به مواد مخدر بین مردم در کشور ایران شیوع و گسترش چشمگیری پیدا می‌کند و مردم به اشکال مختلف به اعتیاد روی آوردند. چراکه تریاک باندرول شده با مارک شیر خورشید توسط وزارت بهداشت به مردم عرضه می‌گردید (افتخار زاده، ۱۳۷۷: ۱۹۷). برای اولین بار در سال ۱۳۳۶ هروئین به کشور ایران وارد می‌شود و به علت اینکه هروئین بی‌بو و راحت قابل حمل است در بین جوانان و اقشار مختلف رفته‌رفته شیوع و رواج پیدا می‌کند. (کریم پور، ۱۳۶۴: ۷۱). اوج ترویج آلودگی به هروئین از سال ۱۳۵۰ شروع و گسترش می‌یابد (غنجدی، ۱۳۹۱: ۲۲). در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی است که انحصار کشت خشخاش به برادران او واگذار می‌شود و آن‌ها از این راه و تجارت فروش مواد مخدر به سرمایه‌های هنگفتی دست می‌یابند. محمود رضا پهلوی برادر ناتنی شاه یکی از آن‌هاست (پهلوان، ۱۳۹۴: ۴۹۲-۴۹۱۰).

پرویز راجی که رابطه نزدیکی با اشرف پهلوی داشت و از طریق اشرف از امور دربار خبر می‌گرفت، در کتاب خود از تریاک‌کشی و اعتیاد محمدرضا پهلوی پرده برداشته و می‌نویسد: «این روزها مرتب شایعه‌ای به گوش می‌رسد که شاه تقریباً سه بار در هفته بعد از ظهرها به منزل یکی از دوستان صمیمی خود یعنی امیر هوشنگ دولو سر می‌زند و

در آنجا به کشیدن تریاک مشغول می‌شود. گرچه که والا حضرت اشرف نیز در این باب اطلاعات کافی دارد، ولی معتقد است که کاری از دستش برنمی‌آید. به نظر من تریاک‌کشی شاه مسئله‌ای نیست که بتوان آن را برای همیشه مخفی نگه داشت. چون به هر حال اولین کسانی که از این وضع باخبر می‌شوند، افسران جوان محافظ شاه هستند که در خارج محل تریاک کشیدن حضور دارند و مطمئناً باوقوف به آنچه در داخل می‌گذرد، احساساتشان جریحه‌دار خواهد شد. شنیدن این خبر مرا به فکر فروبرد که چرا واقعاً اطرافیان شاه او را به ارتکاب چنین اعمالی زشت و نامعقولی وادار می‌سازند؟ آیا اقدام شاه در دست زدن به این‌گونه اعمال خود نشانه آغازی بر پایان کار او تلقی نمی‌شود؟» (راجی، ۱۳۹۱: ۱۱۵).

### قاچاق مواد مخدر در دوره پهلوی

بعد از قاچاق اسلحه، بزرگ‌ترین و سودآورترین تجارت روی زمین، تجارت مواد مخدر است. مواد مخدر شمشیری است بسیار تیز و از نظر بسیاری از دول استعمارگر، چه در گذشته و چه در حال این شمشیر علاوه بر تیزی، دو لبه نیز هست. از یک‌سو سودی سرشار فراهم می‌آورد که قابل‌گذشت نیست و از طرف دیگر قربانیان را به موجوداتی آن‌چنان بی‌حال و معتاد و گرفتار تبدیل می‌کند که حوصله‌ای برای مبارزه و براندازی استعمارگران باقی نمی‌گذارد (همان: ۴۷).

یکی از مسائل حیرت‌انگیز برای مردم ایران در دوره پهلوی، دخالت‌های دربار محمدرضا شاه در امور مربوط به مواد مخدر و قاچاق بود. ایران عصر پهلوی از طرفی قاچاقچیان مواد مخدر را تعقیب می‌کند و از سوی دیگر قانون منع کشت خشخاش را لغو می‌نماید. به‌موجب شواهد و مدارک دفتر مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد در اوایل دهه ۱۹۶۰ م، خاندان پهلوی فعالیت‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر را در ابعاد وسیع به همراه سرمایه‌گذاری‌های چند میلیون دلاری به انجام رساندند. اکثر اعضای خاندان پهلوی به نحوی در امر مصرف یا قاچاق مواد مخدر دخیل بودند (پیرانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). علاوه بر آنان، افراد گوناگونی از رجال سیاسی - نظامی اطراف شاه پرسه می‌زدند که همگی در مصرف یا قاچاق مواد مخدر فعالیت می‌کردند. معروف‌ترین آنان فلیکس آقایان بود که از نزدیک‌ترین دوستان محمدرضا شاه بود و در اکثر ساعات فراغت، در نزد

او حضور داشت و به اتفاق شاه و چند تن دیگر چون سناتور جمشید اعلم، مجید اعلم و پرفسور یحیی عدل هر شب تا یک و دو نیمه شب به ورق بازی می پرداختند. این برنامه، روزهای تعطیل هم دنبال می شد (مجتبی زاده، ۱۳۸۷: ۸۹). همچنین وی در باند مافیای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر عضویت داشت و بزرگ‌ترین سازمان مخفی گانگستری را در ایران اداره می کرد (فردوست، ۱۳۷۰: ۲/۲۶۳).

### زندگی نامه فلیکس آقایان

فیلیکس آقایان فرزند الکساندر آقایان در سال ۱۲۹۷ ه.ش در تهران از بطن دختر اسماعیل خان امیر تومان (رئیس تدارکات دوران قاجار) پا به جهان می گذارد (مرسلوند، ۱۳۶۹: ۵۱). پس از تمام کردن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، آموزش عالی خود را در دانشگاه تهران آغاز می کند و مانند پدرش راهی سوئیس می گردد و دکترای خود را در رشته حقوق و قضا از «دانشگاه لوزان» دریافت می کند. وی پس از تکمیل تحصیلات عالی خود، به عنوان مشاور اقتصادی و حقوقی مشغول به کار می گردد. آلکساندر آقایان، نماینده دوره پنجم مجلس شورای ملی پدر وی بود (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۷). فلیکس آقایان در دوره نوزدهم نمایندگی ارمنی های جنوب ایران و در دوره های بیستم و بیست و یکم نمایندگی ارمنی های شمال ایران را در مجلس شورای ملی بر عهده داشت وی به زبان های ارمنی، انگلیسی و فرانسه آشنایی کامل داشته است. او همچنین در طول سال های فعالیتش از حوزه انتخاباتی تهران به نمایندگی مجلس سنای دوره پنجم و ششم برگزیده شد (لازاریان، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۵). او شغل هایی مانند رئیس شرکت بیمه «بریتیش اورسینر بازرگانی»، رییس «فدراسیون اسکی»، نماینده شورای ملی و سنا را به عهده داشت. فلیکس آقایان عضو «حزب ایران نوین» بود (حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳: ۲/۱۳۳) و قبل از آن هم سابقه عضویت در «حزب ایرانیان» را داشت. طبق گفته اسناد ساواک او طرفدار غرب به ویژه انگلیس بود و تحت حمایت آنان مدارج ترقی را طی کرد (خاندان پهلوی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۶۰) فلیکس در تشکیلات اجتماعی سری آمریکا در بالاترین رده ها دست داشت. او در رژیم گذشته پهلوی نشان های درجه سه همایون و تاج گذاری نیز دریافت کرده بود. در سال ۱۳۲۸ به دنبال جمع آوری مدارک و اسناد در خصوص مسئله نفت فعال بود به بهانه این که



می‌خواهد کتابی در این زمینه تألیف کند، اخبار و اطلاعات و اسناد را در اختیار رابطین سفارت انگلیس قرار داد. آقایان بزرگ‌ترین سوءاستفاده کننده قرن به شمار می‌رفت و با ارقام درشت سروکار داشت و کمتر از ۱۰ میلیون تومان برایش جالب نبود. در زمان جنگ با یک سپهبد آمریکایی که فرمانده لجستیکی ارتش آمریکا در ایران بود، کنار آمد و آن سپهبد با همدستی چند گروهبان آمریکایی هر چه در انبار اضافه آمد، با آقایان معامله کرد و به این صورت ده‌ها هزار لاستیک اتومبیل، صدها هزار بطری ویسکی و میلیون‌ها قوطی کمپوت و مواد غذایی معامله کرد. هم آن سپهبد استفاده فوق‌العاده برد و هم آقایان میلیاردها تومان به جیب زد (روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۶۱ به تاریخ ۸۸/۹/۱۴، ص ۳۲). علاوه بر آن فلیکس آقایان تا سال ۱۳۵۰ انحصار خرید شکر ایران در دست داشت که این معامله را از طریق برخی کمپانی‌های فرانسوی انجام می‌داد. (طلوعی، ۱۳۷۳: ۶۴۱/۲).

#### فلیکس آقایان و مافیای مواد مخدر

در کنار اشرف چند نفر دیگر از جمله فلیکس آقایان جزء مافیا و قاچاقچیان معروف بودند. اشرف قاچاقچی بین‌المللی بود. وی عضو مافیای آمریکا بود (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۰۶، شماره ۴۵، پرونده انفرادی اشرف پهلوی، تاریخ ۲۷/۲/۱۳۵۱). او به هرکجا که می‌رفت در یکی از چمدان‌هایش هروئین حمل می‌کرد و کسی جرأت نمی‌کرد آن را بازرسی کند. در یکی از اسناد باقی‌مانده از ساواک، یکی از زنان نزدیک به اشرف، از گفتگو و مجادله بین شاه و اشرف، درباره قاچاق مواد مخدر و شرکت او در مقاطعه‌کاری خبر داده است و گوینده افزوده است: علت عصبانیت شاه، گزارشی بود که از طرف پلیس بین‌المللی درباره شرکت اشرف در امر قاچاق مواد مخدر به تهران مخابره شده بود (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۲۱۶۸، سند شماره ۸۴). سرلشکر یحیی افتخار زاده یکی از بنیان‌گذاران اداره مبارزه با مواد مخدر که از نزدیک با مسائل برخورد داشت، در کتاب نظمیه در دوران پهلوی می‌نویسد: در اوایل کار اجرای «کشت محدود» تریاک موجود در دست اشخاص در مدت کمی به مصرف رسیده و بهای غیرقانونی و قاچاق آن به‌تندی رو به افزایش می‌گذارد و در نتیجه ورود تریاک از افغانستان و پاکستان و هند و ترکیه به‌طور قاچاق به‌وسیله سوداگران مرگ

آغاز می-گردد (افتخار زاده، ۱۳۷۷: ۱۱۸). این مسئله آشکار بود که در امر قاچاق هروئین به کشور باندهایی تشکیل شده که افراد متنفذ کشوری و حتی مقامات مسئول در آن دست داشته‌اند و در خود دربار نیز اشرف پهلوی خواهر محمدرضا شاه نیز از آن‌ها پشتیبانی می‌کرد.

بدون تردید فلیکس آقایان بزرگ‌ترین قاچاقچی ایرانی مواد مخدر و یکی از مهم‌ترین قاچاقچیان بین‌المللی بود. فلیکس آقایان به طرز عجیبی از مسائل ایران و سیاست بین‌المللی و تشکیلات مخفی سیا و اف. بی. آی. و مافیا اطلاع داشت (دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۳۱)؛ زیرا در رده‌های بالای این سازمان‌ها بهترین رفقا را به ضرب پول‌های کلان به دست آورده بود. فلیکس آقایان عضو بلندپایه مافیای امریکا بود. او در قاچاق مواد مخدر روی دست اشرف زده بود (فردوست، ۱۳۷۰: ۲۶۲/۱-۲۶۳). برادر کوچک‌تر فلیکس آقایان جزء هیئت‌رئیس توزیع مواد مخدر در امریکای مرکزی و جنوبی بود و از فلیکس به مراتب خطرناک‌تر بود (لاریجانی، ۱۳۷۶: ۳۴۲). نفوذ آقایان و جایگاهش در مافیا تا جایی بود که بعد از افشاگری محمودرضا پهلوی درباره کشف ۱۸/۶ تن تریاک در سال ۱۳۴۸ ه.ش / ۱۹۶۹ م که مورد غضب مافیای ایران قرار گرفت؛ به دستور فلیکس آقایان، او را در یک کاباره تهران به شدت کتک زدند (مسعود انصاری، ۱۳۷۳: ۳۰). درباره ماجرای افشاگری محمودرضا پهلوی باید گفت وی پرده از راز تریاک‌های مکشوفه برداشت و گفت که مواد مخدری که توسط ژاندارمری و شهربانی کشف می‌شود، پس از مدتی به مقر اشرف پهلوی حمل می‌گردد و سپس در داخل یا خارج کشور به فروش می‌رسد (اشرف پهلوی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۵).

درحالی‌که دولت ایران طبق معاهده بین‌المللی ۱۹۶۱ م موظف بود، میزان تریاک مکشوفه را به کمیسیون ویژه سازمان ملل گزارش دهد و میزان تریاک مکشوفه را فقط نیم تن گزارش داد و نیز کمیسیون ویژه سازمان ملل در این باره از نماینده ایران توضیح خواست که پاسخی از ایران دریافت نشد (فردوست، ۱۳۷۰: ۲ / ۴۶۲-۴۶۳). هوشنگ دولو به‌عنوان «آجودان کشوری» شاه از ارکان شبکه دکتر فلیکس آقایان و از گردانندگان مافیای مواد مخدر در ایران، منطقه اروپا بود. سند بیوگرافیک ساواک در سال ۱۳۵۱ ه.ش او را چنین توصیف می‌کند: «عیاش و بی بند و بار و مشکوک، به داشتن اعتیاد به تریاک و متهم به دخالت به قاچاق مواد مخدر (هروئین)». (همان،

۶۱/۲-۶۲). پروین غفاری معشوقه شاه در کتاب «تا سیاهی در دام شاه» می‌نویسد: «هوشنگ دولو از اعضای شبکه فلیکس آقایان و در کار توزیع مواد مخدر در ایران و اروپا بود. فعالیت‌های دولو در زمینه مواد مخدر بسیار گسترده بود. او از سرکرده‌های باند مواد مخدر، دوست و همکار اشرف و حسین قریشی و فلیکس آقایان بود» (غفاری، ۱۳۷۶: ۱۱۵). دولو در سال ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۲ م به همراه حسین قریشی به اتهام قاجاق مقداری هروئین توسط پلیس سوئیس دستگیر شد. البته با اعمال نفوذ شاه و پرداخت مبالغ کلانی رشوه آزاد شد (کوچکیان فرد، ۱۳۷۶: ۱۵۲).

هوشنگ دولو در مارس ۱۹۷۲/اسفند ۱۳۵۱ هنگامی که در ژنو در حال تحویل تریاک به حسین قریشی، بازرگان ایرانی مقیم سوئیس بود، توسط پلیس این کشور دستگیر شد (پرونده انفرادی هوشنگ دولو، تاریخ ۱۰/۱۲/۵۰). شاه که در زمان این حادثه در سن موریس بود، بلافاصله به ژنو رفت و دولو را آزاد کرد و با هواپیمای شخصی خود به ایران بازگردانید (صمیمی ۱۳۹۱: ۱۱۷). فریدون هویدا در این باره می‌نویسد: «شاه این شخص (هوشنگ دولو) را پس از دستگیری به خاطر قاجاق مواد مخدر در سوئیس با ضمانت خود از زندان بیرون آورد و یکسره به فرودگاه زوریخ برد و از آنجا در حالی که مأموران پلیس ناظر فرار زندانی از کشورشان بودند، ولی به خاطر حضور شاه کاری از دستشان بر نمی‌آمد، او را به هواپیمای آماده پرواز نشانند و از سوئیس خارج کرد.» (هویدا، ۱۳۹۳: ۹۸). در همین رابطه مجله آلمانی اشپیگل در شماره ۱۳ مارس ۱۹۷۲ م/اسفند ۱۳۵۱ ه.ش در مقاله‌ای «تحت حمایت شاهنشاه» نوشت: «چنانچه شاهنشاه ایران مایل نباشند، دادگاه‌های سوئیس امکان کشف حقایق را درباره دخالت هوشنگ دولو در قاجاق مواد مخدر نخواهد داشت؛ زیرا این فرد که عضو دربار شاهنشاهی و از معتمدان شاهنشاه است؛ از مصونیت سیاسی استفاده می‌کند. این فرد گویا به علل انسانی در سرزمین شاهنشاه مورد توجه نیست؛ در حالی که شاهنشاه ایران به‌عنوان سخت‌گیرترین تعقیب‌کننده قاجاقچیان مواد مخدر از سال ۱۹۶۹ م دستور اعدام متجاوز از ۱۰۰ نفر را صادر کرده است.» (شهبازی، ۱۳۷۰: ۴۶۳/۲). این ماجرا نشان از همدستی و ارتباط شاه با باند فلیکس آقایان که هوشنگ دولو جزو آن بود را می‌دهد حتی زمانی قضات دادگستری و کارمندان و روزنامه‌نگاران در ژنو از شاه ایران خواستار سلب مصونیت سیاسی دولو شدند، ولی شاهنشاه ایران گفت از طریق سیاسی

اعلام خواهد گردید. ایران از طرفی قاچاقچیان مواد مخدر را تعقیب می‌کند و از طرف دیگر قانون منع خشخاش را لغو می‌نماید، زیرا ۱۲۰۰۰ هکتار از کشتزارهای خشخاش ایران به خانواده سلطنتی تعلق دارد (کردی، ۱۳۷۵: ۱۵۷). متخصصین کشف مواد مخدر سازمان ملل اعلام داشته‌اند که ایران برخلاف سایر کشورها، مواد مخدر مکشوفه را نابود نمی‌کند و به‌این ترتیب از ۱۸۴۵۴ کیلوگرم مواد مکشوفه از سال ۱۹۷۰، ۳۲۹، ۱،۹۷۰ کیلوگرم معدوم، ۱۵۲ کیلوگرم برای مصارف طبی به‌کاررفته و ۱۷۹۷۳ کیلوگرم باقی‌مانده است. بدین‌سان، این ظن که دیپلمات‌های ایرانی برای تأمین ارز شاهنشاه خود هروئین و تریاک قاچاق می‌کنند، تازگی ندارد. باید افزود دولو، ۱۲ سال قبل نیز به اتهام حمل و مصرف مواد مخدر در پاریس مورد تعقیب قرار گرفت و بازداشت شد (شهبازی، ۱۳۷۰: ۲/۴۶۶).

امیراسدالله علم در کتاب خاطرات خود به یکی از ماجراهای مربوط به قاچاق تریاک توسط دولو اشاره دارد و می‌نویسد: «شاه به من دستور داد کثافت‌کاری‌های دولو را رفع و رجوع کنم. این مرد که رسماً به‌عنوان یک معتاد به تریاک شناخته شده است و از یک اداره ویژه دولتی سهمیه تریاک دریافت می‌کند، باوجوداین راننده‌اش را به اصفهان فرستاد تا ۳۰ کیلوگرم تریاک برای او بیاورد. در راه بازگشت اتومبیلش تصادف کرد و همسر راننده کشته شد. به‌محض اینکه ژاندارمری و پزشکی قانونی درباره‌ی احتمال توطئه قتل شروع به تحقیق کردند، طبیعتاً متوجه تریاک‌های دولو شدند. وقتی به خانه رسیدم فرمانده ژاندارمری را احضار کردم و اظهار داشت علاوه بر تریاک آثار هروئین هم در اتومبیل پیدا شده است. آن وقت به دولو تلفن کردم که به‌کلی این موضوع را که چیزی به‌غیر از تریاک در اتومبیل بوده است، تکذیب کرد». بدین‌وسیله مسئله قاچاق تریاک به‌وسیله دولو حل‌وفصل و بار سنگینی از دوش وزیر دربار برداشته شد (علم، ۱۳۸۸: ۶۰/۷). لو رفتن امیر هوشنگ دولو و تحرک مطبوعات غرب علیه شاه را باید توطئه شاپور ریپورتر<sup>۱</sup> و حامیان نیرومند او در سرویس‌های اطلاعاتی غرب علیه مافیای بین‌المللی دربار شاه ارزیابی کرد (خزائی، ۱۳۹۰: ۹۳). چون از رقبای شاپور، مافیای دربار به رهبری فلیکس آقایان مافیای مواد مخدر که بر شاه ضعیف‌النفس تسلط دارند روبرو است (خزائی، ۱۳۹۰: ۱۵۸). این ضربه سهمگین به‌تلافی رقابت خشنی که مافیای

۱- مأمور اطلاعاتی و دلال اقتصادی بریتانیا در ایران

فلیکس آقایان علیه شبکه جاسوسی دلالی شاپورجی-روچیلد آغاز کرده بود و «ماجرای تانک چیفتن» مهم‌ترین صحنه آن بود و به رسوایی نقش شاپورجی در معامله شکر انجامید، وارد شد (شهبازی، ۱۳۷۰: ۱۲/۴۶۴).

در زمستان سال ۱۳۵۱ ه.ش ظاهراً به دستور محمدرضا پهلوی و تحت تأثیر فلیکس آقایان گزارش بازرسی شاهنشاهی درباره معامله شکر ایران و انگلیس که شاپورجی واسطه آن بود؛ در روزنامه اطلاعات چاپ شد. در سال ۱۳۵۱ «شاپور ریپوتر» که از نقش مهم خود در دولت بریتانیا مغرور شده بود، بر معامله شکر چنگ انداخت و با دلالی خود قرارداد شکر ایران را با یک شرکت انگلیسی منعقد نمود. فلیکس آقایان از این حادثه به خشم آمد و درصدد تلافی برآمد و گزارش قرارداد فوق را به‌عنوان یک معامله تقلب آمیز منتشر کرد (خزائی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). به دنبال این حادثه «شاپورجی» نزد فردوست می‌رود و فساد اطرافیان شاه را متذکر می‌شود و تهدید خود را دال بر انتشار اسناد تأسیس سلسله پهلوی توسط «اینتلجنت سرویس» و فساد دربار ایران به اطلاع می‌رساند که شاه با وساطت «لرد چیلد»، «شاپورجی» را از این کار منصرف می‌کند (همان، ۹۲-۹۳). حسن قریشی یکی از تجار ایرانی مقیم سوئیس بود که در اواخر سال ۱۳۵۰ به جرم نگهداری ۳۵ گرم ماده مخدر از نوع تریاک به‌وسیله پلیس سوئیس دستگیر می‌شود (پرونده انفرادی حسن قریشی، تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۵). قریشی را باید از دوستان نزدیک محمدرضا شاه دانست که تقریباً وظایفی شبیه دولو را بر عهده داشت؛ البته با دامنه بسیار کمتر. یکی از این وظایف مشترک میان قریشی و دولو مهیاکردن بساط عشرت شاه بوده است. علم در نوشته‌هایش در این مورد می‌نویسد: «شاه دستور داد به ایکس [حسن قریشی] یادآوری کنم که هر بار با زنی تماس می‌گیرد به دولو گزارش بدهد و نه مستقیماً خود او.» معنی این پیام را درک نکردم و او در توضیح گفت: می‌دانی، آدم‌های ایکس برای جلب نظر من بیش‌ازحد خوش‌خدمتی می‌کنند و در مواقعی برای انجام خدمات غیراخلاقی‌شان باهم رقابت می‌کنند که امتیاز بیشتری بگیرند (علم، ۱۳۷۱: ۳۳۲/۱-۳۳۳).

اما در مورد نقش قریشی در حمل و نگهداری مواد مخدر باید به این حادثه اشاره کرد. وقتی شاه بنا بر عادت مألوف برای تفریح سالانه به سوئیس رفت. پلیس کشور سوئیس در بازرسی‌های خود از محل کار قریشی مقداری مواد مخدر از وی کشف می‌

کند (پرونده انفرادی حسن قریشی، تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۵). در بازپرسی‌های اولیه از قریشی، پای افراد دیگری به میان کشیده شد که غالباً از رجال سرشناس کشور به حساب می‌آمدند. یکی از این افراد امیر هوشنگ دولو بود که در باند فلیکس آقایان فعالیت داشت. قریشی در اعترافاتش عنوان کرده بود که در یک میهمانی خصوصی ناهار که افرادی مانند دکتر دیبا، انصاری، ستوده و چند تن دیگر نیز حضور داشته‌اند، این تریاک را از آقای دولو دریافت داشته است تا به آقای خسرو قشقایی که از مخالفین رژیم نیز بوده است در آلمان تحویل دهد. واسطه این امر خانم والون منشی قریشی بوده است (کوچکیان فرد، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

### اعدام قاچاقچیان

در دوران محمدرضا، تبلیغات پر سروصدایی علیه قاچاق مواد مخدر به راه افتاد و عده‌ای قاچاقچی خرده‌پا اعدام شدند. این در حالی بود که بارها و بارها افتضاحات اشرف درزمینه قاچاق مواد مخدر پخش می‌شد و در مطبوعات خارجی انعکاس می‌یافت. در زمان وزارت بهداری جهانشاه صالح، طرح مبارزه با کشت خشخاش در ایران به اجرا درآمد و حال آنکه این طرح آمریکایی به سود ترکیه و افغانستان بود که یکی از منابع سرشار درآمدشان (به‌خصوص ترکیه) از فروش تریاک است (چه برای مصارف دارویی و چه برای مصارف تخریری) به‌هرحال این طرح مشکلی را حل نکرد و اعتیاد رواج شدید داشت (مواد مخدر به روایت اسناد ساواک، شماره ۴۶۵۸/م تاریخ ۱۳۵۲/۱۱/۲۸). در تلاش برای بازدارندگی نسبت به قاچاق و تولید مواد مخدر در این دوره تلاش‌هایی شد. در این دوره «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک» مصوب ۱۷ آبان ماه ۱۳۳۴ تصویب شد و چهار سال بعد در سال ۱۳۳۸ «قانون مربوط به اصلاح قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک» و مقرر داشتن مجازات اعدام نیز در ماده ۴ آن به تصویب رسیده است. برابر ماده مزبور مجازات سازنده یا واردکننده هر یک از مواد مخدره مذکور در ماده ۱ حبس موقت با اعمال شاقه از پنج سال تا ۱۵ سال و پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ پانصد ریال برای هر گرم از مواد افیونی و سه هزار ریال برای هر گرم از سایر ادویه مخدره است و در صورت تکرار مجازات مرتکب علاوه بر جزای نقدی اعدام است (راوندی، ۱۳۸۲: ۷/۲۴۸-۲۴۹). همچنین قانونی مبنی بر اعدام

قاچاقچیان مواد مخدر وضع شد که اجازه می‌داد بدون معطلی اعدامشان کنند و با جلوگیری از برگزاری مراسم عزاداری توسط خانواده آن‌ها نیز سبب برانگیختن بغض و کینه فراوانی علیه خود در بین مردم می‌شد (هویدا، ۱۳۹۳: ۹۴). عموم مردم بر این اعتقاد بودند که افراد سطح پایین و نادرست مورد محاکمه قرار خواهند گرفت و سپر بلا خواهند شد. درحالی‌که مجرمین اصلی و آن‌هایی که نفوذی دارند، آزاد خواهند ماند (اوری، ۱۳۸۸: ۱۰۴/۸). در دوران محمدرضا شاه پهلوی، تبلیغات پر سروصدایی علیه قاچاق مواد مخدر به راه افتاد و عده‌ای قاچاقچی خرده‌پا اعدام شدند. این در حالی بود که بارها افتضاحات اشرف در زمینه قاچاق مواد مخدر پخش می‌شد و در مطبوعات خارجی انعکاس می‌یافت (فردوست، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۶۲-۲۶۵). فریدون هویدا که خود یکی از کارگزاران پهلوی و برادر امیرعباس هویدا است در کتاب خود می‌نویسد: چطور قاچاقچی‌های خرده‌پا و بدبخت به دستور شاه تیرباران می‌شوند، ولی همین شاه‌دوست خود را که به جرم قاچاق مواد مخدر در سوئیس بازداشت شد از محاکمه و زندان می‌رهاند؟! [فرد موردنظر دولو از دوستان محمدرضا پهلوی است] (هویدا، ۱۳۹۳: ۱۵). البته به‌غیراز او از خواهر خود اشرف هم حمایت کرد که توضیح آن داده شده است.

### نتیجه‌گیری

در طول زمان روز به روز مسئله قاچاق مواد مخدر و اعتیاد مردم به آن، گسترش بیشتری یافت و در حکومت پهلوی به اوج خود رسید. در دوره محمدرضا شاه پهلوی مصرف مواد مخدر رواج بیشتری یافت. این امر اثرات زیان‌باری را در اعتیاد افراد جامعه و توزیع گسترده و در دسترس بودن آزاد مواد مخدر داشت. افراد گوناگونی از رجال سیاسی و نظامی اطراف شاه بودند که اکثراً در مصرف یا قاچاق مواد مخدر فعالیت می‌کردند. برادران و نزدیکان شاه نظیر حمیدرضا، محمودرضا، غلامرضا، بهزاد، اشرف، نازک، هما و شهناز پهلوی به مواد افیونی معتاد بودند و بعضی از آنان به قاچاق مواد مخدر می‌پرداختند که می‌توان به معروف‌ترینشان اشرف، حمیدرضا، محمود رضا و غلامرضا پهلوی اشاره کرد. بعد از درباریان، امراء، رجال سیاسی، نظامی و انتظامی بودند که در این تجارت پرسود دخالت داشتند. از نخست‌وزیران، شاپور بختیار، حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا و ... در مصرف و قاچاق مواد مخدر دست داشتند. یکی از

معروف‌ترین قاچاقچیان در این دوره فلیکس آقایان بود که در باند مافیای بین‌المللی قاچاق مواد مخدر مشارکت و عضویت داشت. به علت شخصیت محافظه‌کارانه فلیکس آقایان و تلاش وی در پنهان داشتن اخبار قاچاق مواد مخدر، اقدامات وی در این زمینه چندان انعکاس نیافته است و تنها در خاطرات افراد درباری منعکس شده است یا با دستگیری افرادی از باند وی از جمله هوشنگ دلو و حسن قریشی اشاراتی به نقش وی به‌عنوان مافیای مواد مخدر بیان شده است. سران رژیم پهلوی برای پرده‌پوشی به امر قاچاق مواد مخدر از سوی افراد سرشناس دربار، روزانه به اسم مبارزه با مواد مخدر و برای تبلیغ در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ده‌ها قاچاقچی خرده‌پا را اعدام و تعداد دیگری را حبس می‌نمودند. راهکارهای آنان برای مقابله با مواد مخدر نتیجه نداد چون خود کارگزاران دولت نه‌تنها آلوده به مصرف مواد مخدر بودند بلکه از طریق خریدوفروش و قاچاق مواد مخدر جیب خود را پر می‌کردند.



## منابع

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۰۶، شماره ۴۵.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد ۱۲۱۶۸، سند شماره ۸۴.
- اشرف پهلوی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۸)، تهران، مرکز بررسی تاریخی وزارت اطلاعات.
- آوری، پیتر (۱۳۸۸)، تاریخ کمبریج، ترجمه تیمور قادر، تهران، ناشر مهتاب، ۱۳۸۸.
- افتخار زاده، یحیی (۱۳۷۷)، نظمیه در دوره پهلوی، تهران، نشر اشکان.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۹۱)، تاریخ ایران پس از اسلام، اروند.
- پرونده انفرادی اشرف پهلوی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۳۵۱/۲/۲۷.
- پرونده انفرادی حسن قریشی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۳۵۲/۵/۱۵.
- پرونده انفرادی هوشنگ دولو، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تاریخ ۱۳۵۰/۱۲/۱۰.
- پیرانی، محمد (۱۳۸۳)، زندگی خصوصی محمدرضا شاه، نشر به آفرین.
- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۳)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخ.
- خاندان پهلوی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲)، به کوشش: جلال اندرمانی زاده، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- خزائی، حسین (۱۳۹۰)، خاطرات سیاسی اردشیر جی ریپورت، ناشر امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۱)، لغت نامه، تهران، امیرکبیر.
- دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۲)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه.
- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۶۱ به تاریخ ۸۸/۹/۱۴.
- ریچاردز، فردریک (۱۳۴۳)، یک مسافرت ایرانی، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زنان دربار به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۸)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ژانت د. لازاریان (۱۳۸۲) نمایندگان مجلس؛ دانشنامه ایرانیان ارمنی. چاپ اول. تهران: انتشارات هیرمند.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، نشر اطلاعات.
- شهیدی، محمدحسن (۱۳۶۲)، مواد مخدر امنیت اجتماعی و راه سوم، تهران، نشر اطلاعات.

- صمیمی، مینو (۱۳۹۱)، پشت پرده تخت طاووس، ترجمه حسین ترابیان، تهران، نشر اطلاعات.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۶)، بازیگران عصر پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۷۳ لاریجانی، جمشید؛ دوقلوی میرپنج، تهران، علم.
- عاقلی، باقر (۱۳۸۰)، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. ج. اول. چاپ اول. نشر گفتار با همکاری نشر علم.
- علم، اسدالله (۱۳۷۱)، گفتگوهای من و شاه، تهران، طرح نو.
- عالیوردی نیا، اکبر (۱۳۸۶)، «مواد مخدر و امنیت اجتماعی»، نشریه سیمای اقتصادی، ش ۲۳۹-۲۴۰، مرداد و شهریور، ص ۱۳۴-۱۴۱.
- غفاری، پروین (۱۳۷۶) تا سیاهی دردام شاه، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات.
- کردی، علی (۱۳۷۵)، «اسناد از فساد سخن می‌گویند» فصل‌نامه تاریخی-سیاسی-فرهنگی، ۱۵ خرداد، ش ۲، زمستان.
- کوچکیان فرد، حسین (۱۳۷۶)، رسوایی در سوئیس، فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۴، زمستان.
- کوهی کرمانی، ح. (۱۳۲۴)، تاریخ تریاک و تریاکی در ایران، تهران، چاپخانه علمی.
- لطیفی نیا، مهشید (۱۳۷۱)، «تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و لکل»، گنجینه اسناد، ش ۷ و ۸.
- مجتبی زاده، عبدالکاسم (۱۳۸۷)، فساد در رژیم پهلوی دوم، تهران، امیرکبیر.
- مرسلوند، حسن (۱۳۶۹)، زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، تهران، الهام.
- مسعود انصاری، احمدعلی (۱۳۷۳)، من و خاندان پهلوی، تهران، نشر فاخته.
- مصاحب، حسین (۱۳۸۰)، دایره المعارف فارسی، بی‌نا.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- هویدا، فریدون (۱۳۹۳)، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، تهران، نشر اطلاعات.
- هویدا، فریدون (۱۳۹۳)، سقوط شاه، ترجمه ح. ا. مهران، تهران، نشر اطلاعات.